

زمینه‌های جامعه‌شناختی تکوین گفتمان‌های عدالت اجتماعی در ایران:

مطالعه موردی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۷

رحیم زاہر کعبه^۱

فردین قریشی^{۲*}

محمد باقر علیزاده اقدم^۳

چکیده

گفتمان‌ها در خلأ شکل نمی‌گیرند؛ پیدایش آنها تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی خاصی است. این پژوهش در پی کشف زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان‌های عدالت در ایران دوره جمهوری اسلامی، این پرسش را مطرح می‌سازد که «زمینه‌های جامعه‌شناختی مؤثر بر تکوین گفتمان‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در بعد داخلی و خارجی کدام‌اند؟»؛ در جهت یافتن پاسخ این پرسش، هریک از گفتمان‌های موضوع بحث با استفاده از روش تکوینی-تاریخی و به‌صورت مطالعه موردی تحلیل شده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها مقایسه شده‌است. حاصل کار، ارائه نوعی مفهوم‌سازی جدید، شفاف‌سازی نحوه تحول گفتمان‌های مورد بحث، تعیین نسبت عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر موضوع و درنهایت تأیید گزاره ناظر بر توقیت و بی‌قراری گفتمان‌ها با تکیه بر شواهد و داده‌های تاریخی و تجربی است.

واژگان کلیدی: گفتمان عدالت اجتماعی، دولت‌های پس از انقلاب، جمهوری اسلامی.

۱. کاندیدای دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز.

۲. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول: ghoreishi3583@ut.ac.ir)

۳. دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

مقدمه

گفتمان‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، بیانگر شیوه‌هایی جدید از فهم و درک موضوع‌ها و مسائل مختلف کشوری است؛ این گفتمان‌ها تحت تأثیر زمینه‌ها و عوامل داخلی و بین‌المللی خاصی شکل گرفته‌اند؛ مقاله حاضر در پی کشف همین زمینه‌های داخلی و بین‌المللی از چشم‌اندازی جامعه‌شناسانه است لذا پرسش اصلی کار، این‌گونه طرح می‌شود که «زمینه‌های جامعه‌شناختی داخلی و خارجی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران کدام‌اند؟». مباحث تنظیمی، پس از بخش تمهید مقدمات، با توجه به تعداد دولت‌های پس از انقلاب، شامل هفت بخش است و جالب، آن است که هریک از دولت‌های یادشده، گفتمانی خاص را درخصوص عدالت اجتماعی شکل داده‌اند؛ برپایه همین امر، هریک از بخش‌های مذکور، به بررسی یکی از گفتمان‌های عدالت اجتماعی دوره پس از انقلاب اسلامی اختصاص یافته‌است.

الف - تمهید مقدمات

۱- پیشینه و روش تحقیق

درخصوص موضوع این تحقیق، کارهایی معدود انجام شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

ایزدی و رضایی پناه (۱۳۹۲) در بررسی دوران پس از انقلاب، پنج گفتمان اساسی یعنی «گفتمان لیبرال اسلامی، چپ اسلامی ارزش مدار، اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی، دموکرات اسلامی و عدالت اجتماعی و اصول‌گرایی» را شناسایی کرده‌اند. به نظر آنها تحول در پهنه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه ایرانی، تحول در گفتمان‌های سیاسی آن را نیز پدیدآورده‌است. از سوی دیگر معتقدند که این فرایندها همواره در سایه کنش‌های متقابل بین‌المللی تقویت شده و از آنها اثرپذیرفته‌است.

نواختی مقدم و رضایی پناه (۱۳۹۲) معتقدند پس از روی دادن انقلاب اسلامی ایران، چهار گفتمان «چپ اسلامی ارزش مدار، سازندگی و توسعه اقتصادی، دموکرات اسلامی و عدالت اجتماعی و اصول‌گرایی» به هژمونی دست یافته‌اند. سامانه نشانه‌شناسی، رویکردها و کارنامه اقتصادی آن گفتمان‌ها بررسی شده‌است؛ چرایی جایگزینی هریک از این گفتمان‌ها به جای گفتمان پیشین بر مبنای بسترها و

مبانی اقتصادی و همچنین نقش عوامل منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی که به بازتولید این فرایندها یاری رسانده، واکاوی شده‌است.

کولایی و مزارعی (۱۳۹۵) به نظر آنان، نوسازی دولت هاشمی، دگرگونی‌هایی شایان توجه را در شاخص‌های توسعه در ایران ایجاد کرد که به احیای طبقه متوسط جدید و مبنای شکل‌گیری حزب کارگزاران و پیروزی‌های آن حزب در انتخابات بعدی منجر شد و حزب کارگزاران را به‌عنوان یک نیروی اصلی مدافع اصلاحات سیاسی و اقتصادی، آزادی‌های اجتماعی و مدارای فرهنگی، به فضای سیاسی ایران وارد کرد.

در نهایت، زیباکلام و همکاران (۱۳۸۹) با مبنا قرار دادن نظریه «توسعه نامتوازن» هانتینگتون معتقدند که توسعه نامتوازن در دوره هاشمی، دلیل روی کار آمدن خاتمی بوده‌است؛ در واقع به واسطه تحرک اجتماعی و طبقاتی همراه با توسعه اقتصادی و سپس رشد طبقه متوسط جدید که در دوره سازندگی پدیدار شد، مطالباتی جدید به وجود آمد که به‌طور عمده، شامل مشارکت در اداره امور کشور و تعیین سرنوشت سیاسی بود که پاسخی داده‌نشده؛ در چنین شرایطی، شعارهای خاتمی، حول این مطالبات جدید، موجب پیروزی او شد.

۲- گستره مفهومی و روش تحقیق

در این پژوهش، گفتمان به زبان ساده یعنی «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن» (صالحی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۳)؛ عدالت اجتماعی نیز نه در سطح فردی یا میانی (مانند عدالت سازمانی)، بلکه در سطح کلان و به معنی توجه به نسبت برابر، به تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی) و ارزش‌های محوری آنها (ثروت، قدرت، تعهد و معرفت) مدنظر است (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۹)؛ به این ترتیب، منظور از گفتمان‌های عدالت اجتماعی، شیوه‌هایی خاص از بیان، عملکرد و فهم درباره عدالت اجتماعی است که بر سیاست‌مداران و مسئولان اجرایی هریک از دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران حاکمیت داشته‌است.

روش تحقیق به کاررفته در پژوهش نیز، بر روش تاریخی- تکوینی^۱ (جامعه‌شناسی تاریخی

۱. این تبیین را با عناوینی مختلف مانند ردیابی فرایند، مدل سری به‌هم پیوسته، زنجیره‌ای از تبیین‌های علی، تبیین‌های روایتی و... نام‌گذاری کرده‌اند (طالبان، ۱۳۸۷: ۹۶).

استقرایی) به صورت موردی، ناظر است؛ در این نوع تبیین، تحلیل‌گر تلاش می‌کند، سازوکارهایی (مکانیسم‌هایی) علی را مشخص کند که متغیر تبیینی (مستقل) را به یک پیامد (وابسته) پیوند می‌دهد؛ به عبارت دیگر، رشته حوادث را از علت به معلول وصل کند (طالبان، ۱۳۸۷: ۹۵)؛ لذا هریک از گفتمان‌های مربوط به دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان موردی خاص تحلیل شده‌اند؛ زمینه‌های تکوین گفتمان‌ها نیز به اقتباس از چالمرز جانسون به دو زمینه کلی، یعنی زمینه‌های داخلی و خارجی تقسیم‌بندی شده‌اند (کوهن، ۱۳۷۵: ۱۳۴)؛ همچنین باید اضافه کرد که شواهد تاریخی کار، با مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای دست اول و دوم، فراهم آمده‌اند.

ب- زمینه‌های تکوین گفتمان عدالت به مثابه ایجاد دولت حداقلی

در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷، مهندس مهدی بازرگان، طی حکمی از سوی امام خمینی به نخست‌وزیری منصوب شد. گفتمان عدالت اجتماعی دولت بازرگان را می‌توان گفتمان عدالت اجتماعی به مثابه اصلاح ساختار دولت و ایجاد دولت حداقلی نامید؛ نشانه مرکزی این گفتمان براساس «تقویت و حمایت از بخش خصوصی» مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، نظام معنایی متشکل از دال‌های اصلی مانند جلوگیری از اقدام‌های بازتوزیعی از سوی طبقات پایین، دادن قول هرگونه مساعدت برای بازگشت کارخانه‌داران به وطن، لغو تقسیم سود کارگران به بهانه ملی‌کردن صنایع، دادن وام بانکی برای بازگشایی مجدد کارخانه‌ها حول نشانه مرکزی یادشده شکل گرفته است؛ همچنین راهکار (استراتژی) توسعه در این دولت نیز از نوع توسعه برون‌زا و از طریق بهبود روابط با کشورهای دیگر استوار بود. چنان‌که براساس همین اصل، یک روز پس از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام، دولت بازرگان استعفاداد.

درباره تکوین‌این گفتمان باید گفت که زمینه خارجی، تأثیری ملموس بر آن نداشت؛ اما زمینه داخلی در پیدایش آن، بسیاری تأثیر داشت؛ به این معنی که نیروها و سازمان‌های سیاسی پس از انقلاب به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شدند: «احزاب و گروه‌های طرف‌دار اسلام فقهاتی، احزاب و گروه‌های لیبرال، احزاب چپ‌گرای اسلامی و احزاب و گروه‌های سوسیالیستی»؛ از میان این گروه‌ها، حامیان اسلام فقهاتی که نزدیک‌ترین حلقه به رهبر انقلاب بودند، در ائتلاف با نیروهای مذهبی جناح لیبرال، هسته اولیه حاکمیت و قدرت سیاسی را پس از پیروزی انقلاب تشکیل دادند. دولت موقت، متشکل از نیروهای مذهبی جناح لیبرال بود و شورای انقلاب نیز در اختیار روحانیون اسلام‌گرا

قرارداشت (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۳۷).

بیان این نکته، لازم است که دولت موقت به ریاست *بازرگان*، بیشتر یک دولت انتصابی ازسوی *امام خمینی* بود تا اینکه دولتی منتخب ازسوی مردم و بدنه اجتماعی باشد اما حتی در صورت انتصابی آن نیز نشأت‌یافته از زمینه‌های داخلی بود که براساس آن، نیروهای لیبرال توانستند قدرت اجرایی کشور را در دست گرفته، گفتمان عدالت اجتماعی خود را شکل دهند؛ در زمینه داخلی، دو عامل مهم را می‌توان برشمرد: اولین عامل، سابقه، تجربه و تخصص نیروهای لیبرال از جمله شخص مهدی *بازرگان* و نبود چنین نیروهایی در میان انقلابیون بود (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۸۱ و ۱۸۲) و دومین عامل یا زمینه، آشکار نبودن مرز دیدگاه‌ها و اندیشه‌های لیبرال‌ها با انقلابیون و *امام خمینی* در اوایل کار بود اما به تدریج، در عمل، میان دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی آنها، شکاف‌های اساسی پیدا شد (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

بازرگان در شرایطی که سعی داشت تا با حرکتی آرام، روند دولت‌سازی را پیگیری کند، از دو طرف تحت فشار قرارداداشت: از یک طرف، جریان انقلابی‌هایی که رفتار محافظه‌کارانه او را در برخورد با مداخلات خارجی و نیز گروه‌های فشار غیراسلامی نمی‌پسندیدند و او را به لزوم بازنگری در تصمیم‌گیری‌ها وادار می‌کردند و از طرف دیگر، اندیشه سیاسی *بازرگان* و دولت موقت مبنی بر پیشرفت قدم‌به‌قدم و تقدم بازسازی دولت ملی بر اندیشه‌های آرمان‌خواهانه، تفکری «خلاف‌آمد»^۱ شرایط سیاسی و اجتماعی ایران آن دوران بود و از آن استقبال نشد (خواججه‌سروی، ۱۳۸۶: ۱۴).

ج- زمینه‌های تکوین گفتمان عدالت به مثابه رفع نیازهای اساسی و قناعت

پس از استعفای دولت موقت، اولین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در ۵ بهمن ۱۳۵۸ برگزار شد و دکتر *ابوالحسن بنی‌صدر* به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. *بنی‌صدر* به دلیل ترکیب خاص مجلس و نیاز به اخذ رأی اعتماد به دولت، برخلاف میل خود، *محمدعلی رجایی* را به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب کرد. گفتمان عدالت اجتماعی دولت *رجایی* در غیریت‌سازی با گفتمان لیبرالی دولت *بازرگان* و با تفسیری اسلامی از اقتصاد و عدالت شکل گرفت که از یک طرف به تخصیص مساوی منابع محدود میان آحاد جامعه و از طرف دیگر به قناعت معتقد بود چراکه در این دوران، شرایط جنگ و تحریم‌های اقتصادی خارجی، مبارزه با مصرف‌گرایی دوره پهلوی را به ضرورتی تاریخی برای تحقق عدالت

1. Anachronistic

اجتماعی تبدیل کرده‌بود. در همه اقدام‌ها و لوایح این دولت، سایه سنگین عدالت مبتنی بر نیاز یا عدالت به مثابه مساوات طلبی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، حکم‌فرما بوده، دال مرکزی این گفتمان را تشکیل می‌دهد؛ این گفتمان در عرصه خارجی مبتنی بر نگرش‌های ضداستعماری، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، صدور انقلاب، مبارزه با اسرائیل و مبارزه با نفوذ غرب در کشورهای اسلامی بود (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۳۸).

درباره تکوین این گفتمان باید گفت که «زمینه خارجی مؤثر، عبارت حاکمیت گفتمان چپ در محافل روشن‌فکری جهان بود و زمینه داخلی تأثیرگذار، حاکمیت نیروهای انقلابی در سایه روحیه انقلابی و حمایت توده‌ای را شامل می‌شد» (راعی گلوچه، ۱۳۸۲: ۲۲).

همان‌گونه که اشاره شد، مجلس شورای اسلامی، دارای اکثریتی از ائتلاف بزرگ نیروهای مذهبی با ۸۵ نماینده، حزب نهضت آزادی حدود ۲۰ نماینده، طرف‌داران بنی‌صدر با ۳۳ نماینده و ۱۱۵ نماینده منفرد بود (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). بنی‌صدر، برخلاف میل درونی‌اش، رجایی را به مجلس برای اخذ رأی اعتماد معرفی کرد و وی نیز با اکثریت آرا به‌عنوان اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. با پیروزی قاطع جناح خط امام، بنی‌صدر تمام تلاش‌ها و مقاومت‌های خود را برای دستیابی به کابین‌های مطابق خواست و خط فکری خود بی‌نتیجه دید البته باز هم به‌راحتی تسلیم‌نشده و از این پس، فعالیت‌هایی را آغاز کرد تا رجایی را فرد تحمیلی به رئیس‌جمهوری نشان دهد (راعی گلوچه، ۱۳۸۲: ۲۲).

در این دوره، جنگ تحمیلی نیز از عوامل مؤثر در چگونگی حرکت دولت رجایی به حساب می‌آید اما به دلیل اینکه جنگ پس از روی کار آمدن این دولت، یعنی در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رخ داده‌است، جزو عوامل مؤثر در شکل‌گیری گفتمان عدالت اجتماعی این دولت قلمداد نشده‌است.

د- زمینه‌های تکوین گفتمان عدالت به مثابه اصلاح مناسبات اجتماعی

در سومین دور انتخابات ریاست‌جمهوری در ۱۹ مهر ۱۳۶۰، حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای به ریاست‌جمهوری انتخاب شد؛ ایشان مهندس میرحسین موسوی را به‌عنوان نخست‌وزیر، برای تشکیل کابینه جدید مأمور کرد. موسوی از لحاظ فکری به جریان چپ حزب جمهوری اسلامی تعلق داشت که به‌طور معمول با دیدگاه عدالت‌خواهانه و مردم‌گرایانه، از طیف راست حزب، متمایز می‌شد؛ ایشان در عرصه اقتصادی به رشد غیرسرمایه‌داری گرایش داشت و بر وجود نوعی اقتصاد دولتی گسترده،

برنامه‌ریزی متمرکز، پذیرش مسئولیت‌های پر دامنه از سوی دولت در تأمین عدالت اجتماعی، محدودیت مالکیت خصوصی، ممنوعیت یا تهدید شدید سرمایه‌گذاری خارجی و جهت‌گیری‌های کلی برای نیل به خودکفایی تأکیدی کرد و معتقد بود که اهرم‌های مهم اقتصادی باید در دست دولت باشند (بهروزلک و ضابط‌پورکاری، ۱۳۹۱: ۱۰۸). این گفتمان در حوزه سیاسی به استعمارستیزی، استکبارستیزی و مبارزه با امپریالیسم جهانی؛ در حوزه اقتصادی بر خودکفایی و استقلال اقتصادی و در حوزه فرهنگی نیز، به نوعی رویکرد درون‌گرایانه و بومی‌گرایی فرهنگی می‌پرداخت. سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ، تلاشی برای تداوم ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و نیز صدور این ارزش‌ها به دیگر جوامع اسلامی و مخاطبان آن در سطح منطقه‌ای و جهانی است (صدیق و زائری، ۱۳۸۹: ۱۸).

زمینه‌هایی عمده را که در تکوین گفتمان عدالت اجتماعی به‌مثابه اصلاح مناسبات اجتماعی نقش داشته‌اند، چنین می‌توان برشمرد:

۱- زمینه‌های داخلی

۱-۱- کاریزمای امام خمینی و حاکمیت روحیه انقلابی

تا پیش از سال ۱۳۶۸، «سیاست و حکومت» در ایران، تحت تأثیر اقتدار کاریزمای امام خمینی به‌عنوان رهبر انقلاب و محور اصلی نظام سیاست قرار داشت؛ اقتدار کاریزمایی ایشان، نه بر کنترل نهادهای دولتی یا حزبی بلکه بر جذابیت شخصی و کاریزمایی وی استوار بود که در میان بخش‌هایی عمده از نیروهای سیاسی و اکثریت مردم وحدت ایجاد می‌کرد (بشیری، ۱۳۸۵: ۴۶).

نگرش و افکار امام خمینی درباره عدالت اجتماعی، بیشتر متوجه مستضعفان و رویکرد مساوات‌گرایانه بود. به تعبیر ایشان، «حکومت اسلامی، یک نظام عادلانه است. باید برای این زاغه‌نشین‌های بیچاره که هیچ ندارند، باید برای اینها فکر کرد،... برای ضعیف‌تر باید کار کرد» (خمینی، ج ۴: ۲۰۱).

نگرش امام خمینی درباره عدالت اجتماعی، بیشتر در اتخاذ سیاست مساوات‌گرایانه از سوی گفتمان اصلاح مناسبات اجتماعی تأثیر داشت؛ چنان‌که با رد گسترده مواد لایحه کار، وزیر کار وقت در نامه‌ای از امام خمینی نظرخواستند که «آیا دولت اسلامی می‌تواند در قبال اعطای خدماتی مانند آب و برق به واحدهای تولیدی کارگری، شرایطی را در حوزه کاری بر کارفرمایان تحمیل کند؟» (Rahnema)

1990:267 et al. &؛ ایشان نیز در پاسخ، دولت را برای انجام این کار مجازشناخت؛ فقهای شورای نگهبان در نامه‌ای به رهبر، بر غیراسلامی بودن این شروط بر کارفرمایان تأکید کردند؛ اما پاسخ قاطع ایشان، تأکید بر نظر اولیه خود و عملی شدن لایحه بود (حاتمی، ۱۳۸۷: ۹۷ و ۹۸).

۱-۲- جنگ تحمیلی

در این دوران، جنگ به موضوعی بسیار مهم درزمینهٔ بالا و پایین آمدن سیاست‌های انقلابی و بستر و متنی برای دولت‌سازی تبدیل شد. همچنان‌که چارلز تیلی می‌گوید: «جنگ، دولت را می‌سازد و دولت، جنگ را» (ایزدی و رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۵۵). جنگ تحمیلی، هزینه‌هایی بسیار را بر کشور تحمیل کرد؛ ۸۷ شهر و ۲۶۷۶ روستا در ۱۶ استان کشور، آسیب کلی دیدند. براساس ارقام موجود، کل خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از جنگ تحمیلی بر بخش‌های اقتصادی، ۶۵،۳۵۳،۷۵۰ میلیون ریال بوده است که به ترتیب: بخش خدمات، نفت و کشاورزی، بیشترین میزان خسارت را متحمل شده‌اند (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۴۹). در سال ۱۳۶۵، یک‌سوم بودجهٔ کل کشور را نیروهای مسلح مصرف کردند. در سال ۱۳۶۶، علاوه بر بودجهٔ جاری برای نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه، ۷۰ میلیارد تومان که به‌طور تقریبی یک‌چهارم بودجه است، به جنگ اختصاص یافت؛ همچنین یک‌سوم امکانات ارزی کشور به جنگ اختصاص داده شد. در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵، به‌طور میانگین ۱۶/۹ درصد از هزینه‌های عمومی برای ادارهٔ جنگ، صرف شد (کولایی و مزارعی، ۱۳۹۵: ۴۰۸).

بنابراین، هزینه‌های بسیار جنگ تحمیلی سبب شد، دولت، خواسته یا ناخواسته به دخالت در امور پردازد چراکه حتی در آزادترین نظام‌های اقتصادی، دولت‌ها در شرایط جنگ و بحران اقتصادی در امر تخصیص منابع دخالت کرده، تأمین و توزیع کالاهای راهبردی (استراتژیک) را برعهده می‌گیرند (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۲۶)؛ براساس این، دولت موسوی، شش لایحه مهم توزیعی، یعنی «لایحه اصلاحات ارضی، لایحه اراضی شهری، لایحه دولتی کردن تجارت خارجی، لایحه تهیه و توزیع کالا، لایحه اسلامی کار و لایحه ملی کردن صنایع» را میان سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶ به مجلس فرستاد؛ همه این لوایح، بیانگر رویکرد شبه‌سوسیالیستی رادیکال و مداخله‌گر دولت در اقتصاد بوده، جنبه بازتوزیعی یا توزیعی داشتند.

شرایط ویژه جنگ، امکان هرگونه برنامه‌ریزی بلندمدت را از مسئولان می‌گرفت؛ به‌طوری‌که برنامه اول توسعه که در سال ۱۳۶۱ و با نیم‌نگاهی به برنامه ششم توسعه پیش از انقلاب، فراهم شده بود،

هیچ‌گاه عملی نشد (نواختی‌مقدم و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

۲- زمینه‌های خارجی

۱-۲- غرب‌ستیزی و اعمال تحریم‌های ضد ایران

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اولیه انقلاب، نه‌تنها غرب به‌ویژه آمریکا را نفی می‌کرد، بلکه قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد درخصوص جنگ را نیز به‌طور رسمی نمی‌پذیرفت، زیرا این سازمان را ابزار دست قدرت‌های بزرگ به‌خصوص آمریکا می‌دانست که با اتخاذ مواضع جانب‌دارانه از عراق از موضع بی‌طرفی خارج شده بود (دهقانی، ۱۳۸۷: ۳۶۴).

عدم رابطه با کشورهای غربی درزمینه روابط تجاری نیز در دستور کار دولت قرارداشت. چنان‌که در دوران جنگ تحمیلی، ایران، درمجموع، پنج موافقت‌نامه تجاری دوجانبه با دیگر کشورها امضا کرد که در میان آنها کشورهای دارای نظام اقتصادی توسعه‌یافته و باز آزاد یا لیبرال، چندان جایگاهی نداشتند و بیشتر، کشورهایی را دربرمی‌گرفت که همکاری‌های سیاسی با آنها وجودداشت و این سیاست و اهداف سیاسی - امنیتی و انقلابی بود که نوع همکاری با کشورهای دیگر را تعیین می‌کرد. در سطح تعامل‌های اقتصادی منطقه‌ای نیز، همکاری با سازمان اقتصادی اکو در دستور کار قرارگرفت که درعمل، چندان توفیق‌نداشت. زیرا تعامل‌های هر یک از اعضا با دیگر کشورهای خارج از سازمان، بیشتر از همکاری میان اعضا بوده‌است؛ درکل، دیپلماسی اقتصادی با دیگر کشورها در این دوران، همواره با سه چالش دست‌به‌گریبان بود: اولویت سیاست بر اقتصاد، اولویت نهادهای دولتی بر غیردولتی و اولویت نگاه‌های داخلی بر نگاه‌های بین‌المللی (صالحی، ۱۳۹۲: ۴۳۲ و ۴۳۹).

بشیریه، یکی از عوامل ظهور کنترل اقتصادی دولت را بحران اقتصادی می‌داند که با فرار سرمایه‌ها و افول بخش خصوصی در دوره بلافصل پس از انقلاب، درنتیجه قطع مناسبات اقتصادی میان ایران و غرب شدت یافته‌بود؛ چنان‌که به‌دنبال تسخیر سفارت آمریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، دولت آمریکا، ایران را از جنبه تجاری تحریم کرد و دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکا به ارزش ۱۰ میلیارد دلار توقیف‌شد؛ در اردیبهشت ۱۳۵۹ نیز، تحریم تجاری ایران ازسوی کشورهای اروپای غربی حمایت‌شد و صادرات کالاها و اجناس کشور را تحت تأثیر قرارداد (بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۴۲).

۲-۲- نوسان‌های قیمت نفت

یکی از زمینه‌های مهم شکل‌گیری گفتمان دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، نفت و نوسان‌های قیمت آن است که بر خط‌مشی دولت‌ها بسیار تأثیر گذاشته است. در دسته‌بندی زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان‌ها نیز از نفت به‌عنوان زمینه خارجی یاد شده است با این استدلال که نوسان‌های قیمت آن، تاحد زیادی به روابط خارجی ایران با کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای غربی بستگی دارد. در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱، قیمت نفت در بازارهای جهانی تا سه برابر افزایش یافته بود و به‌واسطه آن، تولید ناخالص داخلی نیز، رشدی بالا داشت؛ برای نمونه در سال ۱۳۶۲، رشد تولید ناخالص داخلی، حدود ۱۱ درصد بود اما در سال‌های پس از ۱۳۶۴ به دلیل تخریب زیرساخت‌ها و کاهش شدید قیمت نفت، تولید ناخالص داخلی کشور، دچار کاهش شده، به‌طور عمده، دارای رشد منفی بود؛ برای مثال، رشد در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به ترتیب ۹/۱- درصد، ۱- درصد و ۵/۵- درصد بود (پژویان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

بنابراین در اقتصاد رانتی و جنگی این دوران، نفت همچنان بیشترین سهم را در برآوردن منابع مالی و نیز در صادرات کشور داشت؛ بیشترین سهم نفت از صادرات، به سال ۱۳۶۱ با ۹۸/۷ درصد و کمترین آن به سال ۱۳۶۵ بازمی‌گردد که این سهم به ۸۷/۲ درصد کاهش یافته است (نواختی مقدم و رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۱۱۸) لذا کاهش قیمت نفت باعث می‌شد تا دولت با دخالت در امور اقتصادی به مدیریت اوضاع بپردازد؛ بنابراین سیاست‌های پراگماتیک در زمینه اقتصاد به‌خصوص زمانی که درآمدهای دولت از نفت به شدت کاهش یافت، بیشتر اهمیت یافتند.

۲-۳- تسلط سوسیالیسم در جهان

بالاگیری شعارهای سوسیالیستی و کمونیستی به‌واسطه نیرومندی گفتمان چپ در پهنه بین‌المللی به‌گونه‌ای ویژه، هژمونی‌یابی گفتمان اصلاح مناسبات اجتماعی را ناگزیر می‌کرد؛ این گفتمان از گونه‌ای سوسیالیسم اسلامی هواخواهی می‌کرد که در آن، دولت، اقتصاد را زیر کنترل خود داشت. حکومت و بنیادهای وابسته به آن به‌زودی، حدود دوسوم بنگاه‌های اقتصادی و نیروی کار را زیر کنترل خود درآوردند (نواختی مقدم و رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

تلاش این گفتمان در راستای عدالت اجتماعی، نه استوار بر تواناسازی طبقات پایین که بر مبنای ناتوان‌سازی طبقات بالا صورت‌بندی شده بود. انگاره این دوران، به‌شدت، ضد سرمایه‌داری و ضد

طبقات بالا بود چنان‌که موسوی در این باب می‌گوید: «دولت اسلامی، تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند سیاست خود را سیاست دفاع از قارون‌ها قرار دهد» (موسوی، ۱۳۸۳: ۲۶). محتکر، زالوصفت، تروریست اقتصادی، تفاله غربی، غارتگر، بورژوازی کمپرادور، عامل امپریالیسم، استثمارگر، ستون پنجم، مرفهان بی‌درد، مستکبر و طاغوتی، برخی از عناوینی بودند که در این دوران برای توصیف سرمایه‌دار به‌کار می‌رفت (ایزدی و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۷).

ه. زمینه‌های تکوین گفتمان عدالت به‌مثابه توسعه اقتصادی

با پایان جنگ تحمیلی و توجه به ضرورت‌های ناشی از آن و با ارتحال امام خمینی، پنجمین انتخابات ریاست‌جمهوری در ۶ مرداد ۱۳۶۸ برگزار و حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی انتخاب شد. پس از پایان جنگ، خزانه بانک مرکزی، خالی شده بود و دولت ناچار بود برای اجرای سیاست‌های خود، وام‌های کلان از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دریافت کند؛ دریافت این وام‌ها هم، به اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، منوط بود؛ بنابراین، سیاست تعدیل اقتصادی گامی در راستای پیوند با اقتصاد جهانی، جذب سرمایه خارجی و انتقال فناوری بود که آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی را در پی داشت؛ همچنین تلاش شد که محدودیت‌های مرتبط با کالا کاهش یابد و تسهیلات لازم برای افزایش صادرات ایجاد شود تا زمینه لازم برای بین‌المللی‌سازی اقتصاد و صنعت در ایران در اقتصاد جهانی، فراهم شود (دهقانی، ۱۳۸۹: ۴۰۳). برای تحقق توسعه اقتصادی، رویکرد نئوکلاسیک، محور توجه قرار گرفت و توسعه اقتصادی، بیشتر در معنای محدود رشد اقتصادی، مدنظر واقع شد و نظام‌های توزیعی و شبه‌سوسیالیستی گذشته، نادرست تلقی شدند (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۴۳).

زمینه‌هایی عمده را که در تکوین گفتمان عدالت اجتماعی دولت هاشمی نقش داشته‌اند، چنین می‌توان برشمرد:

۱- زمینه‌های داخلی

۱-۱- پایان جنگ تحمیلی

آرمان‌گرایی سال‌های اوایل انقلاب، جای زیادی برای مطرح‌شدن طرح‌هایی (ایده‌هایی) مانند رفاه اجتماعی نگذاشت؛ براساس این، دال رفاه و چرخش از روحیه جمع‌محور به سمت گرایش‌های

اجتماعی فردمحور، اغلب، در دوران سازندگی، مطرح شد. توجه به رفاه اجتماعی از سوی مسئولان نظام به‌ویژه، پس از پایان جنگ تحمیلی تأکید شد؛ به طوری که شورای سیاست‌گذاری بازسازی با دستور امام خمینی تشکیل شد که اعضای آن عبارت بودند از: حجت‌الاسلام خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی اردبیلی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و مهندس موسوی؛ امام خمینی در ۱۱/۷/۱۳۶۷، خطوط اصلی آن را چنین تبیین فرمودند: «برنامه‌ریزی در جهت رفاه متناسب مردم، مبارزه با فرهنگ مصرفی و تشویق به تولیدهای داخلی، خروج از تکیه بر صادرات نفت، آزادی صادرات و واردات و به‌طور کلی، آزادی تجارت براساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت و همچنین توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب‌شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه» (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۴).

درپیش‌گرفتن سیاست‌های خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی پس از دوره سیاست‌های انقباضی جنگ، مهم‌ترین برنامه و راه‌حل دولت برای رسیدن به جامعه‌ای ثروتمند و آباد بود. تحت سیاست خصوصی‌سازی اقتصادی و اقتصاد بازار آزاد در سال ۱۳۷۰، مقرر شد که همه بنگاه‌ها و شرکت‌هایی که از سال ۱۳۵۸ از جانب شورای انقلاب، ملی شده بودند به بخش خصوصی واگذار شوند و با حمایت از فعالیت بخش خصوصی در کشور و سرمایه‌گذاری‌های آنان، طرح‌های عمرانی جدید آغاز شد و شهرداری‌ها با منابع مالی جدیدی که بر فروش تراکم مبتنی بود، به فعالیت پرداختند (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۵).

۱-۲- تحولات بافت اجتماعی

نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه از سال‌های پایانی جنگ به این سو، به سیاق و امیال طبقه متوسط شهری سامان یافته است؛ رشد این طبقه از یک سو، حاصل مهاجرت گسترده به شهرها، تحولات تعیین‌کننده در ساختار اشتغال، توسعه شبکه توزیع رانت‌های دولتی، گسترش بخش خدمات مانند گسترش شبکه آموزش و ... بوده است. بدیهی است که وجه حائز اهمیت طبقه متوسط شهری، به‌طور صرف، وجوه کمی آن نیست، بلکه افزون‌بر آن، وجوه کیفی جمعیت یادشده، بیش از این، مطرح نظر است. دانشگاهیان، نویسندگان، اصحاب مطبوعات و تبلیغات، هنرمندان، حقوق‌دانان و پزشکان از اقشار وابسته به طبقات متوسط شهری‌اند؛ این تحول که البته به روایتی موجی جهانی نیز هست، از تحولی چشمگیر در ساختار فرهنگی و اجتماعی و به تبع، سیاسی در ایران حکایت داشت؛ در این

دوران، پذیرش عقلانیت مدرن به‌جای ایدئولوژی‌گرایی و حق‌مداری به جای تکلیف‌مداری دینی و طرح شعارهای مبتنی بر تحقق اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و دموکراسی پارلمانی در میان نخبگان جامعه به‌خصوص نسل جوان را می‌توان مهم‌ترین مبانی تحول‌گفتمانی جامعه دانست (نواختی مقدم و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۲۵ و ۱۲۶).

یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی که موجب شکل‌گیری تغییر از دولت ایدئولوژیک به دولت تکنوکراتیک شد، رشد جمعیت دانشجویی بود؛ چنان‌که طبق آمار موجود، جمعیت دانشجویی دانشگاه‌های دولتی ایران از حدود ۱۶۰،۰۰۰ در سال ۱۳۶۵ به حدود ۵۸۰،۰۰۰ در سال ۱۳۷۵ رسید. اقدام‌های نوسازانه و اصلاحات اجتماعی و اقتصادی دولت هاشمی به تحرک بالای اجتماعی و ظهور طبقه متوسط جدید، متبلور شد که خصلت سرمایه‌دارانه دیوان‌سالار و فن‌سالار داشت؛ به‌طبع، علایق سیاسی این طبقه در فرایند سیاسی پس از دوران سازندگی، مؤثر واقع شد و زمینه تشکیل احزاب در سال‌های آتی را فراهم کرد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

البته در کنار زمینه‌های یادشده باید از دیگر زمینه‌ها و عوامل مؤثر، مانند رحلت امام خمینی و گزینش رهبری جدید و همچنین، تغییر موادی از قانون اساسی مبنی بر حذف پُست نخست‌وزیری و افزایش اختیارات ولی‌فقیه نیز برای تبیین برآمدن گفتمان عدالت به‌مثابه توسعه یادکرد.

۲- زمینه‌های خارجی

۲-۱- قدرت‌یابی لیبرالیسم در عرصه جهانی

در سال ۱۳۷۰، اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید که معرف ناکارآمدی سیاست‌های سوسیالیستی و به‌خصوص، وجه اقتصادی آن و درمقابل، نشان‌دهنده کارآمدی سیاست‌های لیبرالی بود؛ براساس این در ایران، برنامه اقتصادی گفتمان راست میانه‌رو برپایه کاهش نقش دولت در اقتصاد کشور، تقویت بخش خصوصی و سپس افزایش مالیات، تقویت شد. درپیش‌گرفتن سیاست خصوصی‌سازی در این هنگام، تنها به ایران، محدود نبود، بلکه در دهه ۱۹۸۰ و سال‌های نخستین دهه ۱۹۹۰، کشورهای درحال توسعه، یکی از سیاست‌های کلیدی را برای حل کاستی‌ها و نارسایی‌های اقتصادی برگزیدند و به‌اجرا آوردند (حبیبی و خوش‌پور، ۱۳۷۵: ۴۲ و ۴۳).

گفتمان توسعه اقتصادی، پاسخی به موج‌های چیره در پهنه جهانی بود؛ باید آن دهه را دهه بین‌المللی شدن سرمایه‌داری قلمداد کرد. فروپاشی شوروی و اعمال سیاست‌های اقتصاد بازار در

کشورهای جهان سوم و بلوک شرق و طرح مباحثی مانند برداشتن مرزهای اروپا و گسترش تجارت جهانی، نشانگر این روال بود (ایزدی و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۹).

۲-۲- نوسان‌های قیمت نفت

قیمت نفت از ۱۵ دلار در سال ۱۳۶۷ به ۲۰ دلار در سال ۱۳۶۸ افزایش یافت که به رشد تولید ناخالص داخلی حدود ۵/۹ درصد منجر شد اما در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲، کاهش در قیمت‌های جهانی نفت و به تبع آن، کاهش شدید رشد تولید ناخالص داخلی مشاهده شد؛ این رشد در سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ به ترتیب: به ۴ درصد، ۱/۵ درصد و ۰/۵ درصد رسید. در دو سال انتهایی دوره سازندگی، رشد تولید ناخالص داخلی به‌طورمجدد شروع کرد به افزایش یافتن به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۷۵ به رقم ۱/۶ درصد رسید (پژویان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۹۲). از سال ۱۳۷۵ با افزایش قیمت جهانی نفت، امکانی بیشتر برای بهبود اوضاع اقتصادی، پدیدار شد.

لازم است، یادآوری شود که با پایین آمدن قیمت نفت و کاهش توانایی دولت، دستگاه دیپلماسی اقتصادی دولت هاشمی برای انجام مذاکرات مربوط به جلب سرمایه خارجی و اجرای طرح‌های پولی و مالی، به‌طورجدی، به صحنه اقتصادی خارجی وارد شد؛ اما درنهایت در ساختار سیاست خارجی ایران، تغییری مهم صورت‌نگرفت (دامن‌پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۳۶).

و- زمینه‌های تکوین گفتمان عدالت به‌مثابه توسعه سیاسی

در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری ایران در ۲ خرداد ۱۳۷۶، حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی به‌پیروزی رسید. در نظام ارزش‌شناختی خاتمی، آزادی یا همان توسعه و عدالت سیاسی بر عدالت اجتماعی برتری دارد؛ طرح موضوع جامعه مدنی نیز در راستای توسعه آزادی‌هاست (علیزاده و رضوی، ۱۳۸۰: ۵۳). خاتمی برای ایجاد عدالت اجتماعی، نه مانند دولت موسوی، توزیع مساوی ثروت را در سایه دخالت دولت می‌پذیرفت و نه همانند دولت هاشمی معتقد بود که قرارگرفتن کشور در مسیر رشد اقتصادی به عدالت اجتماعی می‌انجامد؛ بلکه به شیوه‌ای تلفیقی معتقد بود تا کشور به رشد اقتصادی نرسیده، دولت نباید چتر حمایتی خود را از سر طبقات پایین جامعه بردارد؛ براساس این بود که وزارت رفاه و تأمین اجتماعی در دولت اصلاحات تأسیس شد (بهرزولک و ضابط‌پورکاری، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

زمینه‌هایی عمده را که در تکوین گفتمان عدالت اجتماعی به‌مثابه توسعه سیاسی نقش داشته‌اند،

چنین می‌توان برشمرد:

۱- زمینه‌های داخلی

به نظر زیباکلام و همکاران (۱۳۸۹) در دوران هاشمی، سه عامل داخلی یعنی توسعه اقتصادی، تحرک اجتماعی و درنهایت، عدم توسعه سیاسی موجب برآمدن گفتمان اصلاحات شد:

۱-۱- توسعه اقتصادی

- درآمد سرانه: بدون ملاک قرارداد قیمت ثابت ۱۳۶۱، درآمد سرانه در سال ۱۳۶۸، مبلغ ۵۸۰ هزار ریال و در سال ۱۳۷۶، مبلغ ۴/۱ میلیون ریال بوده‌است.

- اشتغال و بیکاری: تعداد جمعیت بیکار از ۱۸۱۹،۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱،۴۵۶،۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت.

- تولید در بخش کشاورزی: سهم کشاورزی در تولید ناخالص از ۵/۱۹ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۲۷ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید.

- بخش صنعت: سهم گروه صنایع از کل سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۱۳۶۸ به میزان ۱۶ درصد و در سال ۱۳۷۲ به میزان ۲۵/۳ درصد بوده‌است.

- نفت و گاز: سهم گاز در سبد مصرف انرژی کشور از حدود ۵/۵ درصد اوایل انقلاب اسلامی به ۳۶ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید.

همچنین تا پایان سال ۱۳۷۵، حدود ۲۸۰ شهر کشور به شبکه گازرسانی پیوستند (زیباکلام و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۸ تا ۶۱).

همه شاخص‌های اقتصادی بالا نشانگر توسعه اقتصادی در دوره ریاست‌جمهوری هاشمی هستند.

۲-۱- تحرک اجتماعی

- جوانی جمعیت: انتشارات جمعیتی سازمان ملل متحد، ایران را از حیث جوانی جمعیت در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۵ش)، دهمین کشور جهان اعلام کرده‌است. طبقه جوان، کمتر به احزاب محافظه‌کار رأی می‌دهد تا به احزابی که خواهان تغییرند.

- گسترش شهرنشینی: تعداد شهرهای کشور در سال ۱۳۵۵ به ۳۷۳ شهر و در سال ۱۳۷۶ به ۷۱۸ شهر رسید.

- گسترش آموزش و میزان باسوادی: جمعیت باسواد کشور ۶۱/۷۷ درصد

جمعیت ۶ساله و بالاتر و در سال ۱۳۷۵ به ۷۹/۵ درصد ترقی یافت؛ همچنین، تعداد دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۷ از ۱۰۲ به ۲۷۰ دانشگاه در سال ۱۳۷۷ رسید.

- **ارتباطات:** شمار مشترکان تلفنی در سال ۱۳۶۷، معادل ۱/۸ میلیون و در نیمه سال ۱۳۷۵ به ۸/۵ میلیون رسید. تعداد تلفن‌های همگانی از حدود ۱۱،۷۷۰ دستگاه در سال ۱۳۶۷ به تعداد ۶۳۷،۳۳۲ در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت و نزدیک شش برابر شد (زیباکلام و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۱ تا ۶۵).

۱-۳- عدم توسعه سیاسی

احزاب: در دوران سازندگی به ده انجمن، سیزده جامعه، دو جمعیت، پنج کانون، یک مجمع، یک خانه کارگر، یک سازمان و یک حزب (حزب مؤتلفه اسلامی) برای فعالیت مجوز داده شد؛ این امر در واقع، غفلت از حوزه سیاسی و روند کند فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی بود؛ در این دوره، حزب کارگزاران سازندگی، مهم‌ترین حزبی بود که ظهور کرد و توانست قشر متوسط جدید را تاحدود زیادی نمایندگی کند.

مطبوعات: در پایان سال ۱۳۷۲ در ایران برای هر هزار نفر ۲۶ تا ۳۲ نسخه روزنامه و ۲۳ نسخه نشریه وجود داشت؛ در حالی که در همان دوره در ترکیه ۱۲۰۰ نسخه نشریه و در تونس ۱۱۰۰، در لبنان ۹۰۰ و در رومانی ۸۵۰ برای هر هزار نفر وجود داشت (زیباکلام و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۸ تا ۷۲).

نتیجه اینکه، تحرک اجتماعی و توسعه اقتصادی به وجود آمده در دوره هاشمی، دگرگونی ظرفیت‌ها و آرزوی افراد، گروه‌ها و جامعه را در پی داشت. امید مدیریت اجرایی دولت سازندگی، آن بود که با گسترش آموزش بتواند برای موفقیت آینده سیاست تعدیل اقتصادی، نیروسازی کند اما طبق نظریه هانتینگتون، نوسازی ناقص، یعنی واپس ماندن تحول نهادهای سیاسی از دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی سریع، ظرفیت‌هایی (پتانسیل‌های) نامحدود برای بروز جنبش‌های اجتماعی ایجاد می‌کند؛ بر همین اساس بود که وقتی خاتمی، قانون‌مداری، گسترش جامعه مدنی، آزادی بیان و نقد را مورد توجه قرار داد، مورد استقبال عمومی قرار گرفت (زیباکلام و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۲ و ۵۳).

۲- زمینه‌های خارجی

۲-۱- نوسان‌های قیمت نفت

آغاز ریاست جمهوری خاتمی، هم‌زمان با نیمه برنامه دوم توسعه با رکود اقتصادی فراگیر در کشورهای جنوب‌شرقی آسیا همراه بود که بر تقاضای نفت و صادرات غیرنفتی تأثیر گذاشته، در سال

۱۳۷۷ با کاهش شدید قیمت نفت در بازار جهانی، بر اقتصاد کشور، تأثیر منفی آن، بسیار بود و شرایط رکود تورمی را بر ایران حاکم ساخت. از سال ۱۳۸۱ به بعد و هم‌زمان با برنامه سوم توسعه به دلیل مناسب بودن شرایط آب‌وهوایی و ازسوی دیگر، افزایش قیمت نفت در پی سفر خاتمی به سوریه، عربستان و قطر در آغاز سال ۱۳۷۸ و انجام برخی تفاهم‌ها با آنان، رشد تولید ناخالص داخلی افزایش یافت و به رقم ۷/۶ درصد رسید (پژویان و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۶ و ۱۹۲).

خلاصه اینکه پایین بودن بهای نفت در دوره اول ریاست جمهوری خاتمی، باعث نوعی خریدگرایي در تصمیم‌های دولت شد و نتایجی مانند ایجاد حساب ذخیره ارزی و شتاب در برنامه خصوصی سازی را به همراه داشت اما متأسفانه در دوره دوم با افزایش بهای نفت، شاهد تغییر در سیاست‌ها و بازگشت به رویه دولت رانتیر بودیم و به نوعی می‌توان شکست اصلاح طلبان را در سال ۱۳۸۴ با این موضوع مرتبط دانست (فرشادگهر و لطیفی، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

۲-۲- تحریم‌های آمریکا ضد ایران

در کنار نوسان‌های قیمت نفت باید از مسئله تحریم‌ها به خصوص، تحریم‌های آمریکا ضد ایران سخن به میان آورد. زیان‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های بازرگانی و مالی آمریکا در خصوص ایران در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ به شرح جدول زیر است.

جدول شماره ۱: زیان‌های اقتصادی برآمده از تحریم‌های آمریکا ضد ایران در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ (اعداد به میلیون دلار در سال)

| مطالعه پریگ (۱۹۹۹) برای سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۸ (روش کاربردی: داورانه) | مطالعه تربت (۲۰۰۵) برای سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ (روش کاربردی: زبان رفاهی، الگوی رهبری قیمت، داورانه) | هزینه تحریم‌ها |
|--|--|--------------------|
| ۷۰۰-۱۳۰۰ | ۱۴۰ | تحریم‌های بازرگانی |
| ۸۰۰-۱۳۰۰ | ۶۳۷ | تحریم‌های مالی |
| ۱۵۰۰-۲۶۰۰ | ۷۷۷ | جمع هزینه تحریم‌ها |

(منبع: ۲۰۰۵، Torbat)

به نظر می‌رسد، تأثیر این تحریم‌ها از منظر موضوع پژوهش حاضر، همانند تأثیری بود که در خصوص تأثیر نوسان‌های قیمت نفت در این دوره عنوان شد.

ز-زمینه‌های تکوین گفتمان عدالت به‌مثابه حمایت از فرودستان

محمود احمدی‌نژاد در نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴ به پیروزی رسید؛ وی برقراری عدالت اجتماعی در راستای حمایت از فرودستان را نقطه کانونی گفتمان خود قرار داد؛ همین امر موجب شد، تمامی دال‌ها و مفاهیم دیگر در خصوص آن تعریف شوند؛ این دال متعالی در عرصه داخلی، مدلول‌های خود را در سیاست‌هایی مانند «ایجاد مسکن ارزان قیمت برای افراد بدون مسکن (مسکن مهر)، بهره‌مندی شهروندان از سود حاصل از تولیدهای داخلی (سهام عدالت)، تغییر الگوی پرداخت یارانه‌ها به سمت افراد نیازمند (طرح هدفمندی یارانه‌ها)، در دسترس بودن دولت برای تمامی نواحی به‌ویژه نواحی دورافتاده (سفرهای استانی)، ادغام شوراهای عالی به منظور کاستن از بوروکراسی زائد اداری، انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با توجیه انطباق بیشتر برنامه‌ها با نیازهای استانی و تغییر شیوه بودجه‌نویسی و تخصیص بودجه» پیدا کرد.

در عرصه سیاست خارجی نیز، دال حمایت از فرودستان بر مدلول‌هایی مانند «عدم اعتنا به نظم سلسله‌مراتبی قدرت در عرصه جهانی، تأکید بر جایگاه برابر تمامی کشورها و ایستادگی غیرمنعطف در برابر خواست‌های قدرت‌های بزرگ جهانی» استوار شد. رویکرد نرمش‌ناپذیر در سیاست خارجی، آنتی‌تزی در برابر تلاش دولت هشتم برای تعامل با نیروهای مسلط بر این نظم بود (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۴۷).

زمینه‌هایی عمده را که در تکوین گفتمان عدالت به‌مثابه حمایت از فرودستان نقش داشته‌اند، چنین می‌توان برشمرد:

۱- زمینه‌های داخلی

۱-۱- شکست طرح (پروژه) اصلاحات

عوامل و شرایطی چند باعث شدند تا طرح اصلاحات نتواند در جامعه از حالت پروژه به پروسه تبدیل شود. دسته‌ای از این عوامل، ناشی از ضعف و تشتت در جبهه اصلاح‌طلبان و دسته دیگر به تجدید سازمان جبهه رقیب آنها یعنی اصول‌گرایان، مربوط بود. به نظر مصطفی معین، وزیر آموزش عالی دولت اصلاحات، یکی از عوامل اصلی شکست طرح اصلاحات، باندها، گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی بودند که سعی کردند، فرصت‌های دولت اصلاحات را به بحران تبدیل کنند: بحران‌های نه (۹) روز یک‌بار مانند بحران کوی دانشگاه و قتل‌های زنجیره‌ای که باعث دلزدگی و سرخوردگی مردم

می‌شدند (سایت تابناک، ۱۲/۱۰/۱۳۹۳).

عامل دیگر، عملکرد ضعیف اقتصادی اصلاح‌طلبان در کشور بود؛ چنان‌که خاتمی به رغم اقدام‌ها و تحولاتی که در بخش اقتصادی انجام داد که از آن جمله می‌توان به مهار تورم، تنش‌زدایی در مناسبات بین‌المللی و افزایش قیمت نفت اشاره کرد؛ اما با وجود این‌گونه اقدام‌ها، نرخ بیکاری در برنامه اول به دلیل روی آوردن جوانان جویای کار به بازار کار به ۱۴/۷ درصد افزایش یافت. اگرچه تلاش‌های خاتمی در سال ۱۳۸۳ سبب شد، نرخ بیکاری به ۱۲/۳ درصد تنزل یابد؛ با وجود این، نرخ بیکاری جوانان به بیش از دو برابر متوسط ملی رسید. به گزارش بانک جهانی، خاتمی در بحث توزیع درآمد نتوانست موفقیتی چندانی کسب کند؛ از سوی دیگر، قیمت حامل‌های انرژی نیز نه تنها با قیمت‌های جهانی بلکه حتی با نرخ تورم نیز هماهنگی نداشت و واگذاری صنایع به کندی صورت می‌پذیرفت؛ به‌طور کلی، خاتمی نیز راه‌حلی عمده برای اصلاح ساختار ضعیف اقتصادی کشور ارائه نداد (حاجی‌یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

عامل بعدی، اختلاف و تعدد اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۱۳۸۴ بود. اصلاح‌طلبان با باور اینکه گفتمان اصلاحات برگشت‌ناپذیر است و باید رقابت درون‌گفتمانی را سامان دهند، حاضر نشدند ائتلاف تشکیل دهند؛ همین امر باعث شد تا آرای مردم میان چهار نامزد اصلاح‌طلب پخش شود. با اینکه هاشمی در دور اول، بیشترین میزان رأی را در میان نامزدها به خود اختصاص داد، مردم همچنان بر نام او و تکراری بودن او حساس بودند (روزنامه دنیای اقتصاد، ۳/۴/۱۳۹۵).

۱-۲- تجدید سازمان اصول‌گرایان

گروه آبادگران ایران اسلامی در ۲۰ بهمن ۱۳۸۱، موجودیت خود را اعلام کرد و در انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا در بسیاری از مراکز استان‌ها و از جمله تهران، برنده شد؛ این امر، نه فقط پیام‌آور به‌سستی گراییدن جایگاه اصلاح‌طلبان، بلکه گویای برآمدن این گروه در پهنه سیاسی جمهوری اسلامی بود. شورای شهر جدید، به‌زودی، احمدی‌نژاد را به‌عنوان شهردار تهران معرفی کرد و درحقیقت، روحی تازه بر کالبد اصول‌گرایی دمید؛ این گروه در دنباله این پیروزی توانست در انتخابات مجلس هفتم، تمامی سی (۳۰) کرسی تهران در مجلس شورای اسلامی را به خود اختصاص دهد (ایزدی و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۶۵).

در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴ از چهار نامزد اصول‌گرا، گفتمان و شعارهای احمدی‌نژاد آشکارا نسبت به سایر کاندیداها برتری داشت. احمدی‌نژاد، به‌طوری‌عجیب در رقیب‌ستیزی و واسازی

گفتمان رقیب و درمقابل، گفتمان‌سازی استعدادداشت؛ وی به توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی که دال‌های مرکزی گفتمان اصلاحات و سازندگی هستند، حمله کرد و آنها را توسعه وارداتی دانست که مربوط به مردم و از بطن مردم نیست؛ به این ترتیب با برجسته‌ساختن نقاط ضعف دو حریف خود، آنها را به حاشیه رانده، عدالت را به‌عنوان گزاره کلیدی و نقطه قوت گفتمان خود برجسته کرد (نوذری و کریمی، ۱۳۹۱: ۷۱ و ۷۲).

۱-۳- شخصیت توده‌گرای احمدی‌نژاد

احمدی‌نژاد با توانایی‌های شخصی خود و از طریق اقدام‌های زیر به تقویت گفتمان عدالت به‌مثابه حمایت از فرودستان کمک کرد:

تقدیس مردم: آنچه زمینه پیروزی احمدی‌نژاد را در انتخابات ۱۳۸۴ رقم زد، ائتلاف‌های سیاسی نبود بلکه ذکاوت وی در فهم درد مردم مبنی بر عطش مردم به عدالت و مبارزه با فساد بود. وی با استفاده از قدرت مردم‌گرایی خود و همچنین ظاهر ساده و کم‌آراسته خویش توانست در توده مردم نفوذ کند و به‌واسطه همین شعارها توانست خیلی زود، مردم کمتر تحصیل کرده و تیپ‌های سنتی‌تر را به حمایت از خویش مجاب‌سازد (تاجیک، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

دادن وعده‌های کلی و مبهم: احمدی‌نژاد با دادن وعده‌ها و شعارهای انتخاباتی مردم‌پسند چون: رفع مشکل بیکاری در چهار سال، نبود حرکت سخت‌گیرانه درباره حجاب بانوان ایرانی، گفتمان خدمت به‌جای قدرت، کاهش نرخ تورم از طریق کاهش هزینه‌های دولت و کاهش نرخ سود بانکی، گفتگوی بدون واسطه با مردم، ریختن قله‌های ثروت در دره‌های فقر و به‌خصوص شعار «آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم»، موجی بزرگ در کشور به‌راه‌انداخت (ماهنامه جامعه پویا، ۱۳۹۵).

البته احمدی‌نژاد، فقط وعده و شعار نمی‌داد بلکه در مقام شهرداری تهران با برقراری ارتباط مناسب با مساجد و هیئت‌های مذهبی به اعطای کمک‌های مالی و وام ازدواج به جوانان پرداخت که هنگام انتخابات نیز آنها را برجسته کرد (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

مخالفت با نخبگان، نهادها و احزاب: مخالفت احمدی‌نژاد با نخبگان و تأکید بر توده مردم در بیشتر سخنان وی، هویدا بود؛ از جمله در ۱ تیرماه ۱۳۸۴ در جمع مردم مشهد گفت: «ما در جامعه، طبقه‌ای ممتاز به نام مدیران نداریم و مدیران، متعلق به مردم و وامدار مردم‌اند و باید همراه آنها و در خدمت مردم باشند... برخی، شعار چرخش نخبگان را می‌دهند، اما حاضر نیستند در برابر رأی مردم تسلیم شوند» (سایت رجانیوز، ۱۳۹۰/۴/۳).

۲- زمینه‌های خارجی

افزایش قیمت نفت، مهم‌ترین عامل در این خصوص است. در دو دولت /حمیدی‌نژاد، در مجموع، ۷۲۰ میلیارد دلار درآمد نفتی نصیب کشور شد که از مجموع درآمدهای نفتی همه دولت‌های گذشته، بیشتر بوده‌است. کل درآمدهای شش دولت پیشین، در مجموع برابر با ۴۳۲ میلیارد دلار بوده و این یعنی اینکه شش دولت گذشته، روی هم، تنها نزدیک به ۷۵ درصد دو دولت /حمیدی‌نژاد، درآمدهای نفتی داشتند (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۷).

مرحله اول ریاست‌جمهوری /حمیدی‌نژاد با افزایش بهای نفت ادامه‌یافت و به اتخاذ سیاست‌های توزیعی و حمایتی انجامید که با توجه به اوضاع بین‌المللی، این سیاست‌ها خود را در قالب تورم، نارضایتی و... نمایان ساختند؛ در مرحله دوم ریاست‌جمهوری /حمیدی‌نژاد، کاهش بهای نفت، نوعی خردگرایی را به تصمیم‌های دولت تحمیل کرد و ثمره آن، طرح تحول اقتصادی، هدفمندسازی یارانه‌ها و... بود (فرشادگهر و لطیفی، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

ح- زمینه‌های تکوین گفتمان عدالت به مثابه اعتدال و توسعه

حسن روحانی در ۲۵ خرداد ۱۳۹۲ در یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری با گفتمان اعتدال و توسعه به پیروزی رسید؛ این گفتمان بر تعریف نئولیبرالی به‌خصوص با رویکرد نهادگرایانه و نئوکینزی از دال شناور عدالت استوار است؛ به این معنی که کار دولت را نه اجرای طرح‌ها یا تقسیم اعتبارها یا خصوصی‌سازی بلکه آماده‌ساختن و بهبودبخشیدن محیط کسب‌وکار و تقویت ساختار رقابتی برای رونق تولید می‌داند؛ این گفتمان به ساختار شکنی از وجوه پوپولیستی طرح تحول اقتصادی گفتمان پیشین، مانند توزیع یارانه‌های نقدی و مسکن مهر پرداخته، آنها را به حوزه گفتمان‌گونگی کشاند؛ همچنین نشانه‌هایی چون: قضیه بورس‌های غیرقانونی و اختلاس‌های گسترده و کلان پولی و بانکی را برجسته‌سازی کرد؛ در این گفتمان، همانند گفتمان توسعه اقتصادی، اولویت امور اقتصادی، برجسته است و آن را در ابتدای کار، به حل مهم‌ترین مشکل سیاست خارجی یعنی پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌ها منوط می‌دانست؛ بنابراین، برخلاف گفتمان پیشین، توافق هسته‌ای (برجام) را در صدر برنامه‌های خود قرار داد.

زمینه‌هایی عمده را که در تکوین گفتمان عدالت به مثابه اعتدال و توسعه نقش داشته‌اند، چنین

می‌توان برشمرد:

۱- زمینه‌های داخلی

۱-۱- وضعیت نابسامان کشور

دوره هشت‌ساله گفتمان حمایت از فرودستان در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، جامعه را به نابسامانی دچار کرد. دولت روحانی، اقتصاد را در شرایطی وخیم تحویل گرفت که رشد ۷- درصد، تورم نزدیک به ۴۰ درصد، خروج سرمایه و عدم سرمایه‌گذاری و نبود چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده وجود داشت؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۸۳، خط فقر ماهانه هر نفر ۹۱ هزار تومان بود؛ در حالی که سال ۱۳۹۲ به‌ازای هر نفر به ۷۱۴ هزار تومان رسید. خط فقر از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ شاهد رشد ۵/۶ درصد بوده است؛ همچنین نرخ بیکاری در دولت احمدی‌نژاد تا ۱۷ درصد برآورد شد؛ در حالی که در سال آخر دولت هاشمی، این نرخ ۱۲ درصد و در سال پایانی دولت اصلاحات به ۱۰/۳ درصد رسید؛ التهاب‌های ارزی نیز در دو سال آخر دولت احمدی‌نژاد، موجب شد ارزش پول ملی به کمتر از یک‌سوم کاهش یابد و افتی تاریخی رقم بخورد. بهای دلار در هشت سال دولت احمدی‌نژاد، ۳/۵ برابر شد و هر قطعه سکه بهار آزادی در آغاز کار دولت احمدی‌نژاد، ۹۶ هزار تومان بود ولی سال ۱۳۹۲ به بالاتر از ۱،۱۰۰،۰۰۰ تومان رسید که افزایشی حدود ۱۳ (سیزده) برابری را نشان می‌داد (کریمی، ۱۳۹۵: ۱۷).

دولت‌های نهم و دهم در بعد سیاسی، توجه لازم را به فرایندهای جامعه در حال گذار ایران و نیازمندی‌های گروه‌های اجتماعی در حال‌نوسازی به‌ویژه در زمینه مشارکت سیاسی معطوف‌نداشتند؛ عدم تعدیل ملاحظات و رویکردهای امنیتی و سیاسی این دولت‌ها، آثار امنیتی خود را بیش از همه در وقایع سال ۱۳۸۸ آشکار ساخت (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۴). وضعیت نابسامان کشور، به‌حدی رسید که در انتخابات سال ۱۳۸۸ هر سه رقیب احمدی‌نژاد از هر دو جناح راست و چپ، دلیل حضور خود را نگرانی از وضع نابسامان کشور و ایجاد تغییر بیان کردند.

۱-۲- افراط‌گرایی دولت احمدی‌نژاد

اگر تا پیش از دوره احمدی‌نژاد، گروه‌های افراطی راست و چپ، موافق یا مخالف یک رئیس‌جمهور، به عمل اقدام می‌کردند، در دوره مدنظر، این خود رئیس‌جمهور بود که به افراطی‌گری، متهم بود؛ افراطی‌گری در این دوره در همه عرصه‌ها وجود داشت. از مهم‌ترین رفتارهای افراطی و فراقانونی احمدی‌نژاد می‌توان به مواردی مانند «مشکل داشتن با مجلس و بودن در رأس امور آن، انحلال سازمان برنامه‌وبودجه، واگذاری اختیار انتصاب رئیس سازمان تأمین اجتماعی به معاون اول

رئیس‌جمهور برای جلوگیری از استیضاح وزیر کار و رفاه اجتماعی، ایجاد معاونت بین‌الملل و دستیار رئیس‌جمهور در آسیا، اروپا و آفریقا به دلیل ضعف وزارت امور خارجه و... اشاره کرد». در سیاست خارجی نیز اظهارنظرهای رادیکال و جنجالی رئیس‌جمهور درباره هلوکاست، قطعنامه‌های شورای امنیت و مدیریت جهانی، باعث اعمال انواع تحریم‌ها ضد ایران شد و روحانی با تمسک به اصل اعتدال و ضرورت مقابله با افراطی‌گری، زمینه پیروزی گفتمان خود را فراهم کرد.

۲- زمینه‌های خارجی

۲-۱- سیاست خارجی تقابلی و بن‌بست هسته‌ای

برخلاف گفتمان اصلاح‌طلبی که به دنبال حاشیه‌ای کردن مسئله هسته‌ای بود، گفتمان اصول‌گرایی در صدد برجسته‌سازی آن برآمد؛ بنابراین در حوزه سیاست خارجی براساس الگوی فکری دولت نهم، نوعی دیپلماسی تهاجمی در سیاست خارجی، به‌ویژه در موضوع پرونده هسته‌ای ایران اتخاذ شد؛ اما این موضوع، موجب تهدیدهای اعلامی و اعمالی گوناگون شد: ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام آژانس بین‌المللی به شورای امنیت سازمان ملل، تبدیل بعد حقوقی- فنی پرونده هسته‌ای به بعد سیاسی- نظامی، شکل‌گیری نوعی اجماع بین‌المللی ضد ایران، دریافت ماده سه از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (ایران تنها کشوری بود که این ماده را دریافت کرد و به‌عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شد)، الزامی شدن تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای در قطعنامه‌های صادرشده توسط سازمان ملل، درحالی‌که در دولت گذشته، تعلیق، امری داوطلبانه اعلام‌شده بود و درنهایت، رکود اقتصادی، تورم شدید، نابسامانی بازارهای مالی و پولی و رشد منفی اقتصادی ایران در نتیجه تحریم‌های اجراشده (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۵ و ۵۶).

انتخابات ریاست‌جمهوری خردادماه ۱۳۹۲ به جدالی گفتمانی بر سر موضوع هسته‌ای بدل شد. سعید جلیلی و حسن روحانی، نماد دو گفتمان مقاومت و نجات بودند؛ درحالی‌که گفتمان مقاومت، مسئله هسته‌ای را بهانه غرب می‌دانست، گفتمان نجات، تسریع در رسیدن به نتیجه را ضروری می‌دانست. «گفتمان مقاومت»، اهمیت استقلال کشور و «گفتمان نجات»، اثر تحریم در زندگی روزمره را برجسته می‌کرد (طالبیان و مولایی، ۱۳۹۴: ۹)؛ همچنین تأکید روحانی بر چرخش هم‌زمان چرخ سانتریفیوژها و زندگی مردم، تعامل با جهان، رفع تحریم‌ها، رعایت خطوط قرمز در موضوع هسته‌ای و نرمش قهرمانانه در موضوع هسته‌ای، اعتبار و هماهنگی بیشتری نسبت به سایر گفتمان‌ها با

خواست و ذهنیت بیشتر مردم داشت (دهقانی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۱۷)؛ درنهایت، جدال و رقابت دو گفتمان به پیروزی روحانی به‌عنوان حامی گفتمان اعتدال منجر شد.

۲-۲- تحریم‌های آمریکا ضد ایران

در گفتمان حمایت از فرودستان، غرب‌ستیزی در شکل سیاست‌هایی قاعده‌مند مانند راهکار (استراتژی) نگاه به شرق، چندجانبه‌گرایی در سیاست بین‌الملل و نفوذ در حیات خلوت آمریکا (آمریکای لاتین)، مطرح و پیگیری شد (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۰)؛ درپیش‌گرفتن این‌گونه سیاست‌ها و به‌خصوص رویکرد به مسئله هسته‌ای، موجب شد که دولت آمریکا شدیدترین تحریم‌ها و ممنوعیت‌ها را ضد ایران درپیش‌گیرد.

البته بایدخاطر نشان کرد که مسئولان ایران در راه کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی ایران، گام‌هایی برداشتند از جمله اجراء طرح هدفمندی یارانه‌ها، افزایش قیمت سوخت برای کاهش مصرف بنزین و کاهش واردات مواد پتروشیمی و همچنین، احداث و بازسازی برخی پالایشگاه‌ها و افزایش ظرفیت آنها برای کاهش واردات بنزین (Katzman, 2012 : 64) اما به‌رحال، موضوع تشدید تحریم‌ها در تحول گفتمان عدالت در ایران سال ۱۳۹۲، اثری قابل‌توجه داشت.

نتیجه‌گیری

در این قسمت ابتدا گفتمان‌های عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها مقایسه می‌شوند؛ سپس، نتایج کلی حاصل از مقایسه گفتمان‌های یادشده به‌عنوان نکته نهایی این گفتار ارائه می‌شود.

دولت‌های اوایل انقلاب از لحاظ زمانی، دولت‌هایی کوتاه‌مدت بودند؛ این دولت‌ها شامل دولت بازرگان به‌مدت حدود نه (۹) ماه و دولت رجایی حدود یک سال و نیم، عمر داشتند؛ گفتمان‌های این دو دولت، بیشتر تحت تأثیر زمینه‌های داخلی و نه خارجی شکل گرفتند زیرا جامعه غوطه‌ور در فضای انقلابی به‌دنبال تغییر در مناسبات و نیروهای داخلی بود. گفتمان دولت حداقلی بازرگان، گفتمانی خلاف‌آمد زمینه داخلی و شرایط سیاسی و اجتماعی ایران آن دوران بود و به همین سبب دیری نپایید؛ درمقابل، گفتمان رفع نیازهای اساسی و قناعت رجایی، گفتمانی مطابق با آرمان‌گرایی انقلابی ملت ایران و زمینه داخلی کشور بود و به‌شدت نیز از آن استقبال شد.

حتی می‌توان گفت که گفتمان حمایت از فرودستان/حمادی‌نژاد، بیانگر نوعی بازگشت به گفتمان

آرمان‌گرایی اوایل دهه ۱۳۶۰ بود که وجود نوعی چرخه گفتمانی را به‌خوبی نشان‌می‌دهد (دهقانی، ۱۳۸۶: ۹۳). برخلاف گفتمان تک‌هسته‌ای اوایل دهه ۱۳۶۰ که تنها مبتنی بر ارزش‌ها بود، گفتمان حمایت از فرودستان، گفتمان اوربیتالی بود که واقعیت‌ها را در کنار ارزش‌ها قرارمی‌داد (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۴۹). گفتمان حمایت از فرودستان با گفتمان رفع نیازهای اساسی و قناعت در موضوع‌های مختلف شباهت‌هایی داشت اما باوجود این شباهت‌ها، تفاوت‌های عملکردی در اجرای آن موضوع‌ها به‌وضوح قابل مشاهده بود؛ ازجمله اینکه عدالت اجتماعی در گفتمان رفع نیازهای اساسی و قناعت، توزیعی و شبه‌سوسیالیستی و در گفتمان حمایت از فرودستان، تلفیقی از رویکردهای نئوکلاسیک و پوپولیستی بود (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۵۲).

گفتمان توسعه اقتصادی، گفتمانی مبتنی بر میانه‌روی بود؛ همچنان‌که دال مرکزی گفتمان اعتدال و توسعه، مبتنی بر اعتدال و میانه‌روی است. گفتمان اعتدال و توسعه، همچون گفتمان توسعه اقتصادی، شامل دولتی توسعه‌گراست و اولویت امور اقتصادی در آن، برجسته است؛ در هر دو گفتمان، توسعه روابط خارجی اهمیت دارد؛ این موضوع در گفتمان توسعه، بیشتر با نیت برقراری روابط اقتصادی و بیرون‌آمدن از انزوای بین‌المللی و در گفتمان اعتدال، بیشتر با نیت جلب اعتماد بین‌المللی درخصوص مسئله هسته‌ای طرح‌شده است.

دو گفتمان توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی، گفتمان‌هایی مبتنی بر دولتی توسعه‌گرا هستند اما موضوع توسعه در هریک از این گفتمان‌ها متفاوت است. گفتمان توسعه سیاسی با شالوده‌شکنی گفتمان توسعه اقتصادی و با استفاده از دال آزادی، خود را به گفتمان مسلط تبدیل کرد (نوذری و کریمی، ۱۳۹۱: ۷۴).

با بررسی و مقایسه گفتمان‌های عدالت اجتماعی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، می‌توان نتایج زیر را که همسو با یافته‌های سایر پژوهش‌های مورد استناد است، استنباط کرد:

۱- گفتمان‌هایی متعدد در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران ظهور کرده‌اند؛ خاستگاه مشترک تمامی این گفتمان‌ها، فراگفتمان انقلاب اسلامی است و تمامی آنها را می‌توان محصول تراوش‌های گفتمانی فراگفتمان مادر دانست؛ از این رو، اصول و قواعد فراگفتمان مادر در آنها جریان دارد؛ تفاوت آنها در این است که برخی عناصر گفتمانی را حذف، برخی را تعدیل و برخی دیگر را پررنگ کرده یا برخی عناصر مغفول را احیا کرده‌اند و از این طریق، اشکالی خاص از کردارها را رقم‌زده‌اند (رحیمی و کتابی، ۱۳۹۳: ۳۶).

۲- در شکل‌گیری گفتمانی جدید، تأثیر زمینه‌های داخلی در حد تعیین‌کنندگی بود، درحالی‌که تأثیر زمینه‌های خارجی، بیشتر در حد تأثیرگذاری بود؛ به عبارت دیگر باید گفت «تحول در زمینه‌های داخلی» به‌عنوان متغیر مستقل، «تحول در گفتمان‌های مسلط در پهنه سیاسی جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان متغیر وابسته و «زمینه‌های خارجی و وضعیت حاکم بر عرصه جهانی» به‌عنوان متغیر واسطه یا تعدیل‌کننده، قابل‌طرح هستند.

۳- یکی از زمینه‌های خارجی که به‌نوعی در نحوه شکل‌گیری همه گفتمان‌های یادشده پس از انقلاب اسلامی ایران، مؤثر بوده‌است، «نفت و نوسان‌های قیمت آن» است چراکه درآمدهای نفتی، نقشی مهم را در اقتصاد ایران ایفای‌کنند و منبع اصلی مخارج دولت و تشکیل‌دهنده بخشی عمده از صادرات کشور به‌شمار می‌آیند و همچنین، سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها که کانون گفتمان عدالت اجتماعی آنهاست، به‌شدت تحت تأثیر همین متغیر است (کولایی و مزارعی، ۱۳۹۵: ۴۰۸).

۴- سیطره هر گفتمانی در جامعه به‌صورت موقت بوده‌است. همواره گفتمان‌ها در فشار اضمحلال و بی‌قراری‌اند و همواره گفتمان‌هایی دیگر روی‌کار می‌آیند و هویتشان با توجه به دیگری و دشمن معلوم می‌شود. اگر «دیگری» اکسیر هویت‌ساز یک گفتمان است، می‌تواند هویت‌سوز نیز باشد و این، زمانی است که دال مرکزی یک گفتمان، توان شارژ دال‌های جانبی را نداشته‌باشد. استیلا و تثبیت یک معنا در هر گفتمان، تنازع و به‌حاشیه‌رانی سایر معانی را به‌دنبال دارد. به‌حاشیه‌رانی سایر گفتمان‌ها، بیش‌ازآنکه به‌درستی یا نادرستی یا منطقی‌بودن گزاره‌ها و مفاهیم یک گفتمان وابسته باشد، به موقعیتش در نسبت با سایر گفتمان‌ها و به این‌که چگونه دال‌های خالی سایر گفتمان‌ها را مفصل‌بندی‌کند و در نتیجه، نظام معنایی جدیدی ارائه‌دهد، مرتبط است (نوذری و کریمی، ۱۳۹۱: ۷۷).

منابع

۱- منابع فارسی

- ایزدی، رجب و امیر رضایی پناه (۱۳۹۲): «مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران»، *جستارهای سیاسی معاصر*؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، ش ۴، ص ۴۷ تا ۷۴.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴): *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران*؛ ترجمه علی اردستانی؛ چ ۳، تهران:

نشر نگاه معاصر.

- _____ (۱۳۸۵)؛ *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*؛ چ ۴، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بهروز لک، غلامرضا و غلامرضا ضابط‌پورکاری (۱۳۹۱)؛ «چالش‌های نظری عدالت اجتماعی در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*؛ سال پانزدهم، ش ۵۷، ص ۱۰۳ تا ۱۴۸.
- بیات محسن (۱۳۹۱)؛ «تاریخ تحریم ایران؛ تحول در آسیب‌پذیری‌ها و ماهیت تحریم‌ها»، *فصلنامه سیاست خارجی*؛ سال بیست‌وششم، ش ۴.
- پژویان، جمشید و دیگران (۱۳۸۷)؛ «مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولت‌های بعد از انقلاب»، *فصلنامه راهبرد*؛ ش ۱۵، ص ۱۲۲ تا ۱۸۰.
- تاجیک، محمدرضا و محمد روزخوش (۱۳۸۷)؛ «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*؛ سال شانزدهم، ش ۶۱.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۹)؛ *اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران*؛ چ ۱، تهران: نشر دانشگاه امام صادق.
- حاتمی، عباس (۱۳۸۷)؛ «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب: تأثیر سیاست‌های بازتوزیعی بر جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت غیریک‌پارچه در ایران»، *فصلنامه سیاست*؛ دوره ۳۸، ص ۸۹ تا ۱۱۷.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد؛ مهدی فرازی و راضیه کیوان‌آرا (۱۳۹۱)؛ «انتخابات نهم ریاست‌جمهوری و پایگاه‌های اجتماعی در ایران»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*؛ سال هفتم، ش ۲، ص ۱۲۰ تا ۱۴۹.
- حبیبی، علی و حسن خوش‌پور (۱۳۷۵)؛ «ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در ایران (۱۳۷۴-۱۳۶۸)»، *مجله برنامه‌بودجه*؛ ش ۷.

- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)؛ *صحیفه امام*؛ ۲۲ ج، تهران: نشر مؤسسه آثار امام خمینی.
- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۶)؛ «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دانش سیاسی*؛ دوره ۳، ش ۶، ص ۵ تا ۳۵.
- دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۸۸)؛ *دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی*؛ نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزات امور خارجه.
- دژپسند، فرهاد و حمیدرضا رئوفی (۱۳۸۷)؛ *اقتصاد در دوران دفاع مقدس*؛ تهران: مرکز مطالعات تحقیقات جنگ و اسناد دفاع مقدس.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر (۱۳۸۹)؛ *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مهدی عطایی (۱۳۹۳)؛ «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ سال هفدهم، ش ۱، ش مسلسل ۶۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، «*ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا*»، *کنفرانس ملی سیاست خارجی توسعه‌گرا، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک*.
- راعی گلوچه، سجاد (۱۳۸۷)؛ *دولت‌های شهید رجایی، شهید باهنر و آیت‌الله مهدوی کنی*؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رحیمی، علیرضا و محمود کتابی (۱۳۹۳)؛ «گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به‌مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ سال هفدهم، ش ۴، ش مسلسل ۶.
- رضایی، محمدحسین (۱۳۹۱)؛ «مطالعه عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه از نگاهی نو»، *دوفصلنامه مدیریت اسلامی*؛ سال بیستم، ش ۲، ص ۳۳ تا ۵۴.
- زیباکلام، صادق؛ داود افشاری و عبدالله اصلانزاده (۱۳۸۹)؛ «علل روی کار آمدن خاتمی براساس نظریه توسعه نامتوازن هانتینگتون»، *فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*؛ ش ۳، ص ۵۱ تا ۷۶.

- ساعی، علی (۱۳۸۷): *روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی*؛ تهران: نشر سمت.
- صالحی، مختار (۱۳۹۳): «دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*؛ سال نهم، ش ۳، ص ۱۷۵ تا ۲۱۳.
- صالحی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰): «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش‌های تحقیق کیفی»، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*؛ سال دوم، ش ۳، ص ۱۱۳ تا ۱۴۱.
- صدیق سروسنانی، رحمت‌الله و قاسم زائری (۱۳۸۹): «بررسی گفتمان‌های فرهنگی پساانقلابی و روندهای چهارگانه مؤثر بر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی»، *پژوهش‌نامه سیاست فرهنگی*؛ ش ۵۴، ص ۱۲ تا ۳۸.
- طالبیان، حامد و محمدمهدی مولایی (۱۳۹۴): «کاربست نظریه گفتمان در آینده‌پژوهی انتخابات: مطالعه موردی آخرین مناظره تلویزیونی کاندیداهای ریاست‌جمهوری دوره یازدهم»، *اولین همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی*.
- علیزاده، حسین و سبجان رضوی (۱۳۸۰): *گلبانگ سربلندی*، ۲۰۰۱ سخن و نکته از اندیشه‌های خاتمی؛ تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- فرشادگهر، ناصر و علی لطیفی (۱۳۹۲): «تأثیر نوسان بهای نفت بر مناسبات دولت و جامعه»، *فصلنامه سیاست*؛ دوره ۴۳، ش ۳، ص ۱۹۹ تا ۲۱۷.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴): *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*؛ ج ۱، ج ۲، تهران: نشر مؤسسه آثار امام خمینی.
- کولایی، الهه و یوسف مزارعی (۱۳۹۵): «نوسازی و تحزب: مطالعه موردی دولت هاشمی»، *فصلنامه سیاست*؛ دوره ۴۶، ش ۲، ص ۴۰۳ تا ۴۲۱.
- کریمی، مصطفی (۱۳۹۵): «سیاست‌های رفاهی و اقتصادی از بازرگان تا روحانی: دولت‌ها و رفاه»، *ماهنامه جامعه پویا*، ش ۸، ص ۱۲ تا ۱۷.

- کوهن آلوین، استانفورد (۱۳۷۵)؛ *تئوری‌های انقلاب*؛ ترجمه علیرضا طیب؛ چ ۵، تهران: نشر قومس.
- موسوی، سید مسعود (۱۳۸۸)؛ «معرفی و نقد کتاب اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی»، *فصلنامه نگین ایران*؛ دوره ۸، ش ۳۰، ص ۱۴۷ تا ۱۵۱.
- نواختی مقدم، امین و امیر رضایی پناه (۱۳۹۲)؛ «بسترهای اقتصادی گفتمان‌های چیره در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال پنجم*، ش ۱۹، ص ۱۱۳ تا ۱۴۴.
- نوذری، حمزه و علیرضا کریمی (۱۳۹۱)؛ «بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان»، *مطالعات جامعه‌شناختی*؛ ش ۱۹، ص ۵۷ تا ۷۸.

۲- منابع انگلیسی

- Katzman, Kenneth (2012). "The Iran Sanctions Act (ISA)". Congressional Research Service. Available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf> (21 December, 2102).
- Rahnema, A& F. Nomani. 1990. *The Secular miracle: religion, politics & economic policy in Iran*, (London: zed book press).
- Torbat, Akbar E. (2005), "Impacts of the US Trade and Financial Sanctions . Vol. 28, No. 3, pp. 407-434.on Iran", *The World Economy*